



## مذاکره با کرونا

### محمد رضا تاجیک

#### 1

در نگاه لاتور، انسان‌ها و غیرانسان‌ها، همه کنشگرند، زیرا موجب و موجد کنش و تغییری هستند. این کنشگران در خود شبکه‌اند، یعنی هستی آنان شبکه‌ای است. این شبکه نامتجانس است، پس، کرونا و انسان نیز، در پیوند با هم یک کنشگر-شبکه هستند، که باید از رهگذر مذاکره و ترجمه با یکدیگر نوع پیوند با هم را انتخاب و استقرار سازند. برای لاتور رابطه میان کنشگران انسانی و غیرانسانی نه سوژه - ایژه، بلکه مذاکره است. از نظر او، کنشگر هر موجودی است که دارای کنش است، لذا هر کنشگر به اندازه سایر کنشگران اصالت و واقعیت دارد. وقتی بدون تفکیک‌های رایج به جهان می‌نگریم، آنچه می‌بینیم اجتماعی متکثر از کنشگران یا بازیگران است، و هر تغییری ناشی از پیوند یافتن و یا از هم‌گسیختن این کنشگران است. کنشگران همواره در تلاشند تا برای رسیدن به اهداف خود با هم پیوند یابند. قدرت (چه برای بقا و چه برای تغییر) در پیوند یافتن و ایجاد اتحاد یا پیوندهای قوی **association strong** است. از این رو، لاتور می‌گوید کنشگران برای ایجاد پیوند با هم در مذاکره **negotiation** هستند و اهداف هم‌دیگر را ترجمه **translate** می‌کنند. از آنجا که کنشگران به شکل پیشینی دارای هدف واحدی نیستند و به‌نفسه در خدمت یکدیگر نیستند (هریک هدف خود را دارند)، کنشگری که می‌خواهد با دیگری پیوند یابد، به‌نحوی، هدف طرف را تغییر، تعدیل، یا بازتعبیر می‌کند تا کنشگران متحدشده همه در خدمت هدف واحدی قرار گیرند. لاتور به این عمل «ترجمه» می‌گوید. ترجمه کاری است که در جریان مذاکره رخ می‌دهد، و در واقع، پاسخ این پرسش است که چگونه کنشگران متفاوت با هم پیوند می‌یابند. ماهیت یک کنشگر شبکه‌ای از پیوندها و اتصال‌هایی است که با سایر کنشگران دارد؛ بنابراین، کنشگر-شبکه یعنی این‌که ماهیت یک کنشگر خود شبکه است، نه این‌که کنشگری با ماهیتی مشخص در درون شبکه‌ای حضور داشته باشد. ماهیت یا تعریف کنشگر همان نسبت‌هایی است که با سایر کنشگران دارد و وقتی آن نسبت‌ها تغییر می‌کنند خود کنشگر هم تغییر می‌کند... هر موجودی فقط بر اساس نسبت‌هایش تعریف می‌شود. اگر نسبت‌ها تغییر کنند، به همین سان تعریف نیز تغییر می‌کند. مقدار واقعیت یک کنشگر-شبکه برابر است با میزان مقاومتی که کنشگر-شبکه در برابر

کنشگرانی که می‌خواهند آن را از میان ببرند و اتصالات را قطع کنند از خود نشان می‌دهد. هر اتحادی (گروه) یک ضد اتحاد (ضد گروه) دارد. کنشگرانی در صدد ساختن یک اتحادند و کنشگرانی در تلاشند تا از برقراری آن جلوگیری کنند یا بعد از ساخت به درون آن نفوذ کنند و آن را از هم بگسلند.

## 2

اکنون کرونا به مثابه یک کنشگر-شبکه وارد (در پیوند و اتصال ریزومی با اقتصاد، سیاست، اجتماع، دین، فرهنگ، تکنولوژی، بهداشت، سبک زندگی، و...) بازی استراتژیک سایر کنشگر-شبکه‌ها شده است و نوعی ترجمه و مذاکره را طلب می‌کند. بی‌تردید، در مواجهه اصولی و مقابله منطقی با این کنشگر-شبکه تنها یک راه پیدا است: ترجمه و مذاکره و پیوند. اگرچه کرونا و انسان دو کنشگر-شبکه‌ی متفاوت، و با اهداف متفاوت و متعارضند، و هر دو در صدد تغییر، تعدیل، تحدید، تعطیل و تخریب یکدیگرند، اما تنها راه مقابله با آن فهم هدف و منطق و کارکرد (یا ترجمه زبان کرونایی) و ورود به یک مذاکره عقلایی و علمی با آن است. باید با کرونا رابطه تفهیم و تفاهمی برقرار کرد، با آن وارد دیالوگ انتقادی شد، طرح دوستی و نزدیکی در انداخت، گفت و شنید، گامی به جلو نهاد و گامی به عقب، تا به جغرافیای مشترکی برای حل مشکل (مدیریت بحران) دست یافت. کرونا به مثابه یک «امر واقع» **the Real** (در بیان لکانی) از انسان به عنوان «دیگری بزرگ» می‌خواهد که از برج عاج «نظم نمادین» خود فرود آید، سر این دیگری بزرگ (انسان-پادشاه) را خود قطع کند، به حفره‌ها و خلاءها و فقدان‌های انسانی خود واقف گردد، از خود تخطی و امتناع کند، از اسارت ارتدکس مشربی و کلبی مشربی (حتی در نوع علمی و عقلی آن) خود را رها سازد، از متافیزیک سوژه-ابژه به متافیزیک مذاکره گذر کند، به سلطه خود بر طبیعت پایان دهد، و بداند که تنها در اتصال و پیوند با ناسان‌ها و مذاکره و اقتناع خود و آنهاست که می‌تواند یک کنشگر-شبکه باشد، بداند که ترجمه و مذاکره همان آزمایشگاهی است که امکان شناخت امر ناشناخته را فراهم می‌سازد، بداند در این آزمایشگاه، چیزی که در وهله نخست می‌بیند کنش‌هایند (کنش‌های اجتماعی، اقتصادی، روانی، فرهنگی، سیاسی و... کرونا)؛ این کنش‌ها در نهایت او را به یک تعریف، به یک ماهیت و به یک بازیگر (در این جا، کرونا) می‌رسانند، و توانش و نقش و شخصیت، کارکرد و آثار آن را آشکار می‌سازند. پس، از رهگذر این ترجمه و مذاکره ما کرونا را می‌شناسیم و کرونا ما را. در پرتو این شناخت و شناسایی است که نوع پیوند و مواجهه (تعاملی یا تعارضی یا ترکیبی از هر دو) میان این دو کنشگر-شبکه مشخص می‌شود، و در پرتو این شناخت است که توانش و اجراها و نمایش‌ها (کنش‌ها)ی سازنده و مخرب کرونا را می‌شناسیم و می‌توانیم تاکتیک‌ها و استراتژی‌های مدیریت آن را ترسیم و تدوین کنیم.